



سید علی نقی فیض الاسلام

سید علی نقی فیض الاسلام (۱۲۸۳-۱۳۶۴ش)، از عالمان و نویسندگان قرن چهارم هجری قمری بود. وی از پنج سالگی تحصیل را آغاز کرد و در جوانی از محضر مراجع و بزرگان شیعه علم آموخت. وی صاحب اجازات اجتهاد و روایی از مراجع و محدثان گردید و در راستای تلاش علمی خود، سه کتب عظیم و مقدس؛ **قرآن کریم**، **نهج البلاغه** و **صحیفه سجادیه** را ترجمه و شرح نمود. این کار وی موجب آشنایی عموم مردم فارسی زبان با این سه کتب شد، به خصوص کتب نهج البلاغه که تا آن زمان فاقد شرح و ترجمه کامل فارسی بود.

فیض الاسلام برای کسب علم چند سالی در **نجف اشرف** مشغول تحصیل بود و پس از بازگشت از نجف در **تهران** ماندگار شد و به کار نشر و تبلیغ دین پرداخت و علاوه بر تلاش علمی و قلمی، در کنار روحانیت انقلابی، به بیدارگری پرداخت و به همین جهت مدتی گرفتار زندان **رژیم پهلوی** گردید. سرانجام در بیست و سوم **شعبان** ۱۴۰۵ هـ. ق مطابق با ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۴ هـ. ش از دنیا رفت و پیکرش در بهشت زهراهای تهران، به خاک سپرده شد.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی
- ۲ - اجازة اجتهاد و روایت
- ۳ - شخصیت علمی و معنوی
- ۴ - تألیفات
 - ۴.۱ - ترجمه و تفسیر قرآن عظیم
 - ۴.۲ - ترجمه صحیفه سجادیه
 - ۴.۳ - ترجمه نهج البلاغه
 - ۵ - بیانیة بازگشت به نهج البلاغه
 - ۶ - کلام بزرگان
 - ۷ - انگیزه نگارش کتب خاتون دو سرا
 - ۸ - تبلیغ دینی و سازمان روحانیت
 - ۹ - مبارزه با بدعت و التقاط
 - ۱۰ - وفات
 - ۱۱ - یانویس
 - ۱۲ - منبع

معرفی اجمالی

سید علی نقی اصفهانی آل محمد دبیاج، **محمد دبیاج** فرزند **امام جعفر صادق (علیه السلام)** و جد مرحوم فیض الاسلام است.

[۱] سپهر، محمدنقی، *ناسخ التواریخ*، ج ۱۰ (زندگی امام رضا (علیه السلام))، ص ۳۷۷-۳۸۵.

[۲] الهامی، داود، *سیری در تاریخ تشیع*، ص ۵۶۴-۵۶۷.

او در سال (۱۲۸۳ ش) در «سد» (خمینی شهر کنونی) **اصفهان** به دنیا آمد. طبق شجرنامه موجود، ایشان اربعینی بوده یعنی چهل پشت پدری اش به **امام علی (علیه السلام)** می‌رسد که همه از عالمان و مجتهدان عصر خود بوده‌اند. (شجرنامه خود نگاشت وی در پایان جزء اول ترجمه و شرح بر نهج البلاغه به خط طاهر خوشنویس آمده است) سید علی نقی مقدمات **علوم دینی** را نزد برادر بزرگتر خود، سید غیث‌الدین که مردی فاضل، خطیب و اندیشمند بود فرا گرفت، و با کمک برادر خود، از **اصفهان** به **تهران**، **مشهد مقدس** و **نجف اشرف**، هجرت کرد و به فراگیری معارف و احکام مقدس اسلام و مذهب شریف اهل بیت (علیهم السلام) سپری می‌کرد.

سید علی نقی جوان، در نجف اشرف **دانش** و معنویت را از محضر استادان بزرگی چون **آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی**، **آقا ضیاء‌الدین عراقی**، **شیخ محمدکاظم شیرازی**، **شیخ علی‌اکبر نهایندی** و **شیخ عبّاس قمی** کسب کرد و در همان‌جا موفق به نگارش کتب «**الإفاضات الغریبه فی الاصول الفقهیه**» در دو جلد، شد. از کارهای بزرگ علمی و فرهنگی وی چنین بر می‌آید که در اغلب علوم دینی متبحر و صاحب‌نظر بوده و این حقیقت روشن از لابلای آثار وی مشاهده می‌شود.

اجازة اجتهاد و روایت

ضیاءالدین عراقی و شیخ محمدکاظم شیرازی **گواهی اجتهاد** گرفت. او در سال (۱۳۵۵ هـ. ق) از شیخ علی‌اکبر نهبودی در مشهد مقدس **اجازه روایی** دریافت نمود و همان اجازه را در سال بعد در نجف اشرف به خاتم‌المحدثین شیخ عیسیٰ قمی نشان داد. و از محضر ایشان نیز مفتخر به دریافت اجازه روایی گردید. وی متن اجازات خود را در صفحات پایانی **ترجمه و شرح نهج البلاغه**، به چاپ رسانده است.

شخصیت علمی و معنوی

شخصیت علمی و معنوی آقا سید علی‌نقی در همان سال‌ها شکوفا شد و مشایخ اجازه، وی را با القاب و اوصاف بسیار بلند توصیف کردند. مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در بخشی از اجازه خود آورده است: «العالم الفاضل، السيد الجليل النبيل، جامع المعقول والمنقول، حاوی الفروع و الاصول، الصفي الزكي...» و یا مرحوم شیخ محمدکاظم شیرازی وی را به «العالم العلام و الفاضل المهنّب الفهلم صفوه الاعلام و عمده ملاذ الاسلام، التقى الزكى و الصفى...» ملقب می‌کند. آقا ضیاءالدین عراقی نیز، وی را چنین توصیف می‌کند: «العالم العامل السيد السند و الركن المعتمد التقى و الزكى، افتخار المجتهدين، استاد المحققين، جامع المعقول و المنقول، حاوی الفروع و الاصول غواص بحار العلوم علی العموم و ركن الاسلام و المسلمین و زبده الفقهاء الراشدين، العالم الجليل و مولانا النبيل...»

تألیفات

آثار و نوشته‌های چاپ شده فیض الاسلام عبارت است از:

۱. ترجمه و خلاصه التفسیر قرآن عظیم؛ در ۱۶۷۱ صفحه.
۲. التقلان فی تفسیر القرآن؛ تفسیر سوره مبارکه فاتحه‌الکتاب.
۳. ترجمه و شرح نهج البلاغه؛ در شش جزء که آخرین جزء آن در شب یکشنبه هشتم ذیحجه سال (۱۳۷۰ هـ. ق) در **تهران** به اتمام رسیده است.
۴. **ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه**؛ در یک جلد که در پستین روز شنبه پنجم ماه مبارک **رمضان** سال (۱۳۷۶ هـ. ق) پایان یافته است.
۵. **بنادر البحار**؛ که شرح، ترجمه و تحقیق بیست و پنج جلد **بحار الانوار علامه محبیبقر مجلسی** است. این اثر در شب جمعه چهاردهم **جمادی الثانی** (۱۳۹۹ هـ. ق) آغاز و در روز چهارشنبه بیستم **شوال** همان سال، جلد اول آن، که کتب العقل و العلم و الجهل است به اتمام رسید.
۶. اشارات الرضویه؛
۷. الافاضات الغرویه فی اصول الفقهیه؛ در دو مجلد که در سال (۱۳۵۲ هـ. ق) در نجف اشرف به رشته تحریر در آمده است.
۸. خاتون دو سرا سیدتنا زینب الکبری؛ نگارش این کتب در پستین روز جمعه پانزدهم **جمادی الاولی** سال (۱۳۹۹ هـ. ق) برابر با بیست و چهارم فروردین (۱۳۵۸ ش) در تهران به اتمام رسیده است.
۹. چراغ راه؛ که در اثبات **معراج پیامبر اسلام** (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و رد شبهات مخالفان به نگارش در آمده است. در روز یکشنبه پنجم **ربیع الاول** در سال (۱۳۵۶ هـ. ق) به پایان رسیده و آبان (۱۳۲۰ هـ. ق) منتشر شده است.
۱۰. پاسخ نامه از گلی؛ که در اثبات **رجعت** و پاسخ اجمالی به انحرافات و شبهات **شریعت سنگلجی** است. وی در مقدمه کتب «رهبر گمشدگان می نویسد: این کتب قریب پنج سال قبل از رهبر گمشدگان تألیف شده است. (یعنی حدود سال ۱۳۵۴ هـ. ق)
۱۱. رهبر گمشدگان؛ که در اثبات رجعت و پاسخ مفصل و مستدل به شبهات شریعت سنگلجی است. نگارش این کتب در تهران و در شب بیست و هشتم **محرم** سال (۱۳۵۹ هـ. ق) به پایان رسیده است.
۱۲. مسئله رجعت؛
۱۳. قفل دهن شیطان.
۱۴. مقدمه‌ها و بیانیه‌های عالمانه و متعهدانه؛ که در پارهای موضوعات به نگارش در آمده و در لابه‌لای آثارش به چاپ رسیده است.

آثار وی که در یک نگاه کلی به دو بخش تقسیم می‌شود گویای تلاش و جهاد علمی، فرهنگی و تبلیغی اوست. وی در بخش اول همت گماشت تا توانست سه کتب عظیم و مقدس یعنی **قرآن**، اخ القرآن (**نهج البلاغه**) و اخ التفسیر قرآن (**صحیفه سجادیه**) را در خور فهم مردم فارسی زبان ترجمه و شرح کند و به خصوص مشتاقان معرفت علوم آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را از ساحل نهج البلاغه علوی و صحیفه سجادیه سیراب نماید. در بخش دوم نیز قدم‌ها را استوار ساخت، تا با تقدس‌زدایی تعدادی دانشمند و عالمانه که اصلاح مسلمانی و خرافه‌زدایی را در اسلام‌زدایی می‌جستند به مقابله برخیزد در این‌جا بود که «رهبر گمشدگان» را نوشت.

← ترجمه و تفسیر قرآن عظیم

مرحوم فیض الاسلام در نظر داشت که تفسیر جامع و کاملی از قرآن مجید، شامل چکیده‌ای از همه تفاسیر و احادیث که درباره هر موضوع وجود دارد تدوین نماید. وی در دیباجه ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه می‌نویسد: از یکسال پیش به نوشتن ترجمه و تفسیر قرآن کریم مشغولم، چون آرزو دارم این کتب جامع‌ترین ترجمه‌ها و تفسیرها و در دنیا بی‌نظیر باشند و تا ممکن است به طوری ساده و روان که همگان (خواص و عوام) از آن بهره‌مند گردند. و آن مراجعه به کتب و مطالعه بسیار لازم دارد از این رو در گوشه‌ای خزیده جز با کتب فقه و اخبار و تفسیر با کسی انس ندارم.

← ترجمه صحیفه سجادیه

روش ایشان در ترجمه، معنا کردن دقیق لغت‌هاست و هر کلمه و جمله و مطلبی که نیازمند توضیح و شرح باشد در میان دو هلال گذاشته شده است تا ترجمه، از شرح فرق داشته باشد و تصرفی در اصل عبارت نشده باشد. شیوه ارزشمند دیگر ایشان در ترجمه و شرح صحیفه سجادیه این است که در ابتدای اغلب دعاها توضیح کوتاه؛ ولی پرمحتوا، عالمانه و در خور فهم عموم را درباره موضوع اصلی دعا آورده که آگاهی خواننده را افزوده و او را با چشم باز به سوی دعای مورد نظر ترغیب می‌کند.

← ترجمه نهج البلاغه

نام فیض الاسلام با نهج البلاغه آمیخته است به طوری که نهج البلاغه فارسی به نهج البلاغه فیض الاسلام مشهور شد و این سعادت برای همیشه در تاریخ به نام ایشان ثبت گردید بسیاری از اندیشمندان و شخصیت‌های علمی و فرهنگی بر این خدمت بزرگ ایشان آفرین گفته‌اند و تاکنون بیش از یک میلیون نسخه از آن به چاپ رسیده است. وی در دیباجه جزء اول ترجمه خود از آشنایی‌اش با نهج البلاغه چنین می‌نویسد: از سال‌های دراز این کتب مقدس مورد مطالعه این بنده بود، روز به روز شوقم به خواندن و اندیشه در آن زیادتر می‌شد، گویا چیزی نمی‌دیدم مگر کتب نهج البلاغه و سخنی نمی‌شنیدم مگر فرمایش‌های **امیر المؤمنین علی (علیه‌السلام)** و هرگاه با فضلا و دانشمندان ملاقاتی پیش

می‌آمد، قبل از شروع به هر سخن، در باب عظمت و بزرگی نهج البلاغه سخن گفته به آنان یادآوری می‌نمودم که **سید شریف رضی** (رحمه‌الله‌علیه) یکی از شاهکارهای تألیف را در این کتب به‌کار برده ... و گاهی در بعضی از مجالس دینی و مذهبی پاره‌ای از کلمات این کتب را خوانده و معنای آن را بیان می‌کردم، شنوندگان به شگفت آمده می‌گفتند اگر علما و رجال دینی ترجمه فرمایش‌های امام علی (علیه‌السلام) را در کتب نهج البلاغه به طوری که در خور فهم هر فارسی زبان باشد، نوشته بودند همه از آن بهره‌مند می‌شدند ... بنابراین بر نگارنده واجب شد که دست از هر کار بردارم (حتی از ترجمه و تفسیر قرآن کریم که از مدتی به نوشتن آن مشغول بوده برای اتمام آن سعی و کوشش بسیار داشتم) و این کتب جلیل را به **زین فارسی** سلیس و روان ترجمه نموده ...
گفته شده که تنها جمع آوری مدارک و یادداشت برداری ترجمه و شرح او بر نهج البلاغه مدت هفده سال طول کشید و تحریر آن در شش سال یعنی از (۱۳۴۵ هـ. ق. تا ۱۳۷۱ هـ. ق) انجام پذیرفته است.

بیانیه بازگشت به نهج البلاغه

مرحوم فیض الاسلام در پایان تألیف، ترجمه و شرح نهج البلاغه بیانیه بسیار مهمی تحت عنوان «چاره نگرانی امروزه مردم دنیا» آن هم در آن روزگار خفقان صادر می‌کند و همگان را به نهج البلاغه و ولایت علوی که همان ولایت خداوند در تمام شئون زندگی است دعوت می‌کند. گرچه از آن روزها، سال‌ها گذشته است؛ اما به یقین می‌توان یافت که این روزها، زندگی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بشر بیش از هر زمان دیگر نیازمند چنین دعوتی است. آنچه او در بیش از پنجاه سال پیش نوشته و فریاد کرده است امروز سخن دل هزاران اندیشمند دلسوز دنیای اسلام است. منشور بازگشت به نهج البلاغه را که فیض الاسلام در روزهای سیاه سلطه نوشت، با هم می‌خوانیم:

(چاره نگرانی امروزه مردم دنیا)
همه پریشانند و در فکر علاج، لکن چاره را نمی‌دانند، تنها رهاننده بشر از پریشانی به دقت خواندن و عمل به فرمایش‌های حضرت امیر المومنین (علیه‌السلام) در نهج البلاغه است که همه نگرانی‌ها را برطرف نموده، مردم را به راه سیادت و **سعادت** سوق می‌دهد. دنیای امروز را تباکاری، ستمگری، دورویی، **خونخواهی** و بدبختی بجایی رسانده که زندگی افراد آن تیره و تار شده. آسایش، دانگری، یگانگی، آشتی و نیکبختی در جهان برقرار نمی‌گردد، مگر به پیروی جهانیان از گفتار و کردار امیر المومنین (علیه‌السلام) که نمونه‌ای از آن را سید شریف رضی در کتب مقدس نهج البلاغه گردآورده و چون در همین مختصر از جمیع شئون زندگی چیزی فروگذار نشده، سیادت و سعادت عمل‌کننده را ضامن است؛ زیرا این کتب نتیجه گفتار همه پیغمبران و راهنمای درک معانی و حقائق قرآن کریم و نجات‌دهنده گمراهان و گرفتاران است.
این گفتار روی دو پایه برهان عقل و علم، استوار است و ما لاف نزده و گزاف نگفته‌ایم. اگر باور ندارید برجستگان و دانایان خود را در مجلسی گرد آورده؛ تا اثبات نموده به خواص و عوام بفهمانیم: هر که طالب خیر و نیکویی و آسایش و خوشی است بایستی کتب نهج البلاغه را (که پس از قرآن کریم و سخنان پیغمبر اکرم در جهان مانند ندارد) مورد مطالعه و سرمشق و دستور زندگانی خویش قرار دهد، بنابراین باید:

پادشاهان و وزراء و رجال سیاسی بخوانند تا **استقلال** و تمامیت کشور را حفظ نموده و به وظائف خود و طرز سلوک با رعیت پی برند، وکلای مجلسین: سنا و شوری بخوانند تا از **بدعت** (احداث چیزی در **دین** که از دین نبوده) دوری گزیده و به دستور دین رفتار نمایند، حکمرانان و رؤساء هر شهر بخوانند تا رفاه و آسایش خود و کسانی را که با آنان سپرده شده فراهم سازند، امراء لشکر و افسران و سربازان بخوانند تا آماده حفظ حدود و ثغور کشور بوده و در کارزار همیشه فتح و فیروزی را دریابند، ستمگران و بیچارگان بخوانند تا کيفر **سنت** و پادشاهی‌های را دانسته عبرت گیرند، اغنیا و فقرا بخوانند تا **کبر** و سرافرازی و **رشک** و پستی را از خود دور سازند، علما و دانشمندان بخوانند تا از همه دانش‌ها بهره‌مند گردند، مجتهدین عظام بخوانند تا راه **استنباط احکام الهی** را بیاموزند، مبلغین و تربیت‌کنندگان مردم عوام بخوانند تا دین را به **دینیا** نفر وخته رضا حق را بدست آورده سعادت‌مند شوند، وعظ و گریه‌نگار بخوانند تا طریقه و عطر و **خطابه** را آموخته، وقت خود و شونده را با سخنان بیهوده و ژاژ تلف نکنند، مؤلفین و تربیت‌کنندگان مردم عوام بخوانند تا مهمل نیافتند و عفت قلم را حفظ نموده مطالبی بنویسند که خود و اعقابشان به آن فخر نمایند، فصحا و بلغا و ادبا و خطبا بخوانند تا از خرمن **فصاحت** و **بلاغت** و شیرینی کلام آن خوشه‌ها بردارند، تجار و کسبه و اطباء بخوانند تا در داد و ستد و طبابت، خدا را در نظر داشته، **سود جلال** بدست آورند که نزد خدا و خلق شرم‌نده نباشند، قضلت و وکلاء دادگستری و صاحبان محاضر رسمی بخوانند تا در دادرسی‌ها و معاملات برای چند ریال پول، حکم به نالغ ندهند و خلافی ننویسند و از عاقبت آن بهره‌یزند، دانشجویان و هوشمندان بخوانند تا از شاخه‌های درخت دانش میوه چیده غولان و نادانان و گمراهان و گمراه‌کنندگان را در هر لبس بشناسند، جوانان بخوانند تا طراوت جوانیشان را در راه‌های بیهوده از دست ندهند، کارگران و رنجبران و بیابان‌گردان و رانندگان (که کمتر وسیله وقت کسب اطلاع دارند) بخوانند تا از خواندن آن همه چیز بدست آورند، طبیعیین و مادیین و **فلاسفه** بخوانند تا از تار یکی‌هایی که به آن گرفتارند رهایی یافته با مبدأ و **معاد** آشنا گردند، **یهود** و **نصاری** و **مجوس** بخوانند تا راه سعادت را در آن دیده با کتب‌های خود مطابقت کرده حق و حقیقت را دریابند، گمراه‌کنندگان بخوانند تا از بدعابقتی و رسوایی ترسیده بیش از این در اغفال ساده لوحان سعی ننمایند، گمراه‌شدگان بخوانند تا از راه گجی که آن‌ها را به آن سوق داده‌اند بازگشته گرد هر نادرست **هواپرست** نگردند، زهد و پارسایان بخوانند تا **زهد** و تقوای حقیقی را در روش پیشوای متقیان دیده و به راه‌های کج پا نهند و از رنج خود نتیجه بگیرند، با سوادان برای بی‌سوادان بخوانند تا آنان را به تحصیل دانش و بردن لنت سواد و اطلاع به وظائف دین و دنیا آگاه سازند، خلاصه جمیع افراد بشر باید بخوانند تا سعادت همیشگی و ترقی دنیا و **آخرت** را از آن بیابند.

کلام بزرگان

مقام معظم رهبری **آیت‌الله خامنه‌ای** درباره ایشان می‌فرمایند: جز دانشوران و خواص، کسی از نهج البلاغه جز نامی نمی‌دانست. اولین ترجمه‌ای که (در عصر حاضر) از آن شده، از مترجم روحانی محترمی است که اول بار، نهج البلاغه را «همه فهم» کرده و به دست مردم داد.
[۱] بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰ ش.

دکتر **سید جعفر شهیدی** ایشان پس از یاد نمودن از برخی ترجمه‌ها و شرح‌های معاصر می‌نویسد: ترجمه‌ای که جایی باز کرد و مقبول همگان افتاد اثر مرحوم سید علی‌نقی فیض‌الاسلام است که خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امام را با ترجمه و توضیح نشر کرد.
مرحوم فیض‌الاسلام را بارها دیدم؛ مردی فاضل، مسلمان و دیندار و دوستدار **اهل بیت (علیهم‌السلام)** بود و برای این ترجمه رنجی بر خود نهاد و می‌توان گفت **اخلاص** وی در فراهم آوردن این ترجمه، در رواج آن تأثیری به‌سزا داشته است.

[۲] امام علی (علیه‌السلام)، ترجمه نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، مقدمه یخ.

انگیزه نگارش کتب خاتون دو سرا

مرحوم فیض الاسلام در مقدمه کتب خاتون دو سرا، انگیزه خود از نگارش زندگی **حضرت زینب (علیها‌السلام)** را چنین شرح می‌دهد:
بیش از دوازده سال پیش به درد شکم گرفتار شدم و معالجه اطبا سودی نبخشید، برای **استشفای** به اتفاق و همراهی اهل بیت و خانواده به **کر بلائی معلا** مشرف شدم، در آنجا هم سخت مبتلا گشتم. روزی دوستی از زائرین، در **نجف اشرف**، من و گروهی را به منزلش دعوت نموده با این‌که رنجور بوده، رفتم، در بین گفت و گوهای گوناگون، یکی از علما که در آن مجلس بود، فرمود:

پدرم می‌گفت هرگاه حاجت و خواسته‌ای داری، خدای تعالی را سه بار به نام علیا حضرت زینب کبری (علیها‌السلام) بخوان، بی‌شک و دو دلی خدای عزوجل خواسته‌ات را روا می‌سازد، از این‌رو من همچنین کرده شفا و بهبودی بیماریم را از خدای تعالی خواستم، و علاوه بر آن، **نذر** نموده و با پروردگارم عهد و پیمان بسته که اگر از این بیماری بهبودی یافته، کتابی در احوال سیده معظمه (علیها‌السلام) بنویسم و از بسیاری اشتغال و کارها و نوشتن و چلپ و نشر کتب ترجمه و خلاصه تفسیر قرآن عظیم، به نذر خود وفا نمودم؛ تا این‌که

چند روز پیش یکی از دخترانم (وقفه‌الله‌تعالی) مرا آگاه ساخت که به نوزم وفاء ننموده، من هم از خدای عزاسمه توفیق و کمک خواسته به نوشتن آن شروع نمودم و آن را کتب ترجمه خاتون دو سرا؛ سیدتنا المعصومه، زینب الکبری (ارواحنا لتراب اقدامها الفداء) نامیدم.

تبلیغ دینی و سازمان روحانیت

مرحوم فیض الاسلام از روحانیان آگاهی است که توطئه دشمنان و جبر مخواران داخلی آنان را به خوبی شناخت و در برابر آنان و افکار انحرافی و الحادیشان به مبارزه برخاست. آنچه می‌آید بخشی از کتب «چراغ راه» است که در آبان (۱۳۲۰ ه. ش) منتشر شده است و روشن‌بینی این مرد فاضل و آگاه را نشان می‌دهد. وی با **نصیحت** و هشدار به **روحانیت** آن زمان به خاطر نفوذ روحانی نماها چنین می‌نگارد:

«یکی از مظاهر عظیمه و مجالی بزرگ **مذهب شیعه** در این مملکت به خصوص از ثلث اخیر دوره **قاجاریه** تا بحال، همانا تشکیل مجالس دینی و محافل مذهبی می‌باشد، زمامداری منطبق و خطابه در این مجالس به‌عهده یک دسته خاصی از روحانیون (که بالطبع آنان دارای مشخصات و ممیزات خاصه شده‌اند) محول آمده. ما اکنون در بیان اصل تاریخ منبر و واعظ و یا مرتبه‌خوان و به زبان عمومی، روضه‌خوان و کیفیت ظهور و تشکیل این مجالس در **ایران** و غیر آن و مقصد اصلی مؤسسان در تأسیس و اینکه چه مصالح و منافعی از این مظاهر، دستگیر دین و دنیویون شده یا نشده و اینکه حقیقتاً آیه به واسطه عدم انتظام امور روحانی در این مملکت و خاصه فقدان نظام در این طبقه، برخلاف نظر مؤسسان، اثر بخشیده یا نه، نبوده و نیستیم ...

[۱۵] فیض الاسلام، سید علی‌نقی، چراغ راه، ص ۲-۳.

ایشان سپس به حضور خود پای منبر فردی که سخنان و شبهاتی پیرامون مسئله **معراج پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)** مطرح می‌کند، اشاره و به تعبیر خود ایشان «در دریای غم و اندوه فرو رفته ...»، سپس می‌گوید:

«به عقیده نگارنده القای مباحث مهم دینی و مسائل عویصه مشکله معارفی، در انجمن و محافل که اکثریت را طبقه توده تشکیل می‌دهد، غلط صرف و به جای سود، زیان بسیاری دارد؛ ولی افسوس که در دوره هرج و مرج دینی و عدم انتظام، در هیچ‌یک از مظاهر مذهبی و اجتماعی این مملکت واقع شده‌ایم که هر کس هر چه خواست، گفت و در مقام تبلیغ برآمد ... و بعضی هنوز تشخیص ندادند که برای یک دسته مردم مسلمان این عصر چه باید گفت و چه باید نوشت»

[۱۶] فیض الاسلام، سید علی‌نقی، چراغ راه، ص ۲ و ۳.

مبارزه با بدعت و التقاط

فیض الاسلام با منحرفان از **اسلام** و **تشیع** و بدعت‌گزاران و التقاط‌اندیشان نیز به مبارزه و مناظره برخاست. شریعت سنگلی

[۱۷] سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۹۵ و ۹۶.

روحانی نمای منحرف، از خاطره تاریخ این کشور و متدینان پاک نشده است. خیانت‌های او و امثال او، که نقب **نفاق** بر چهره داشتند باید همیشه در نظر خلص و عام باشد، به خصوص در این برهه حساس از تاریخ اسلام و **ایران** و مذهب راستین تشیع که از هر سو برای شکستن آنان و خط مقدم آن، یعنی روحانیت آگاه و متعهد صف‌آرایی فکری و تبلیغاتی شده است. سنگلی به بهانه خرافات دینی، دین‌زادی و مذهب‌زادی را پیشه خود ساخت. او و هم پیالهما و اربابانشان به خوبی دریافته بودند تا روزی که پیوند مردم با اسلام و مقدسات محکم است و سایه روحانیت اصیل و آگاه به‌عنوان عالمان راست‌اندیش و دوراندیش ریسمان میان ملت و مذهب را در دست دارند، سهمگین‌ترین طوفان‌ها نیز نمی‌تواند بدان آسیب برساند؛ لذا ناآشنایی به مقدسات مردم متدین حمله بردند که جز خفت و خواری برای خود چیزی به پادگار نگذاشتند.

امام خمینی در آن زمان پرچم مبارزه را با آن نوشتن «کشف اسرار» بر دوش گرفت و پاسخ‌های افشاگرانه وی به **کسروی** و سنگلی و امثال آنان نقب از چهره کریهشان برداشت. پادآور می‌گردد که امام این کتب را در پاسخ به کتب اسرار هزار ساله **علی‌اکبر حکمی زاده** نگاشت.

[۱۸] رحیمیان، محمدحسین، دلیل آفتاب، ص ۵۹.

[۱۹] مرکز اسناد انقلاب اسلامی، هفتاد سال خاطره از آیت‌الله بولا، ص ۲۰۲.

مرحوم فیض الاسلام نیز در همین راستا دست به قلم برد و کتب «رهبر گمشدگان» را به رشته تحریر درآورد که از آگاهی و تعبد وی و نزدیکی اندیشه‌های او با امام خمینی حکایت دارد. امام خمینی در بخشی از پاسخ‌های خود به سنگلی می‌فرماید:

«این همه جوش و خروش شما و یخه پاره کردن و معرکه گرفتن ... بطوری که از رویه و اخلاق شما در **قم** و **تهران** اطلاع داریم، **دین‌داری**، شما را به نوشتن این اوراق و ادان نکرده است»

[۲۰] خمینی، سید روح‌الله، کشف اسرار، ص ۶۵.

فیض الاسلام نیز در مقدمه کتب «رهبر گمشدگان» می‌نویسد: تو می‌گویی: من در صدد اصلاح **دین** و **مذهب** برآمده‌ام، و سخنانم با خرافات گوناگونی که وارد اسلام شده، جدا مبارزه می‌کند، و حال آن‌که از گفتار زشت تو معلوم می‌شود که اصلاً معتقد به هیچ دین و مذهبی نیستی؛ بلکه یک دسته از خرافات و باطل را به مردم عوام تحمیل می‌کنی و آن‌ها را وسیله اعاشه و ارتزاق خویشین قرار داده‌ای ...

[۲۱] فیض‌السلام، سید علی‌نقی، رهبر گمشدگان، ص ۸.

وفات

سرانجام در بیست و سوم شعبان ۱۴۰۵ ه. ق مطابق با ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۴ ه. ش از دنیا رفت و پیکرش در بهشت زهرا تهران، به خاک سپرده شد.

[۲۲] به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۳/۲/۲۴.

پانویس

۲. [↑](#) الهامی، داود، سیری در تاریخ تشیع، ص ۵۶۴-۵۶۷.
۳. [↑](#) بیان‌ت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در کنگره هزاره نهج البلاغه (کنگره اول)، ۱۳۶۰ ش.
۴. [↑](#) امام علی (علیه‌السلام)، ترجمه نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، مقدمه یح.
۵. [↑](#) فیض الاسلام، سید علی‌نقی، چراغ راه، ص ۲-۳.
۶. [↑](#) فیض الاسلام، سید علی‌نقی، چراغ راه، ص ۲ و ۳.
۷. [↑](#) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ماهنامه پیام انقلاب، شماره ۹۵ و ۹۶.
۸. [↑](#) رحیمیان، مححسین، دلیل آفتاب، ص ۵۹.
۹. [↑](#) مرکز اسناد انقلاب اسلامی، هفتاد سال خطره از آیت‌الله بدلا، ص ۲۰۲.
۱۰. [↑](#) خمینی، سید روح‌الله، کشف اسرار، ص ۶۵.
۱۱. [↑](#) فیض‌السلام، سید علی‌نقی، رهبر گمشدگان، ص ۸.
۱۲. [↑](#) به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۳/۲/۲۴.

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «آیت الله علی نقی فیض الاسلام»، تاریخ بازیابی ۱۴۰۰/۱/۱۷.

رده‌های این صفحه: [تراجم](#) | [شارحان نهج البلاغه](#) | [عالمان شیعه قرن ۱۴ \(قمری\)](#) | [علمای اصفهان قرن ۱۴ \(قمری\)](#) | [علمای اصفهان قرن ۱۵ \(قمری\)](#) | [مترجمان ایرانی قرن ۱۴ \(شمسی\)](#)